

بررسی چند فرهنگی در دانش آموزان و نظام تعلیم و تربیت

لیلی محمدی نیا^۱

^۱ کارشناسی علوم اجتماعی گرایش پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور مرکز ایلام

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی چند فرهنگی در دانش آموزان و نظام تعلیم و تربیت می باشد. برای نگارش این پژوهش از روش مروری - کتابخانه ای استفاده شده است، که بعد از بررسی و مرور منابع معتبر در این زمینه مثل کتاب ها ، مقالات و دیگر منابع مکتوب و تجزیه و تحلیل آنها به یافته هایی دست یافتیم. تعارضات و تفاوت های فرهنگی، دانش آموزان را در دوران تحصیل با مشکلاتی رو به رو می کند. آموزش چند فرهنگی و بررسی چند فرهنگی در دانش آموزان یک حرکت اصلاحی فرهنگی است که هدف آن تغییر چارچوب موسسات آموزشی است. رویکرد چند فرهنگی مفهومی است که در چند دهه اخیر مورد توجه تعلیم و تربیت قرار گرفته است. فرهنگ های متفاوت، دارای نظام های متفاوت معنایی هستند با این وجود دانش آموزان هم در مدارس با فرهنگ های گوناگون وجود دارند، که با به کار گیری روش های مناسب می توان از تعارضات احتمالی جلوگیری کرد.

واژه های کلیدی: چند فرهنگی، تعلیم و تربیت، برنامه درسی

مقدمه

آموزش، یادگیری و پرورش در هر جامعه‌ای با فرهنگ ارتباطی تنگاتنگ و متقابل دارند. بدین معنی که از یکسو فرهنگ را محصول آموزش قلمداد نموده‌اند و از سوی دیگر فرایند آموزش را متأثر از نظام معنایی، ارزش‌ها و هنجارهای موجود در یک جامعه تصور کرده‌اند (صادقی، ۱۳۹۱). در درون هر کشور اقوام و ملیت‌های گوناگونی زندگی می‌کنند که هر یک ویژگی‌های فرهنگی مختص خود را دارند و این ویژگی‌ها بدون شک بر جریان تحصیل و موفقیت‌های بعدی آنها در اجتماع اثر گذار است (جوادی، ۱۳۷۹). تدریس و یادگیری، فرایندهای فرهنگی هستند که در بافت اجتماعی رخ می‌دهد. آموزش رسمی به لحاظ پیوند با فرهنگ اجتماعی و به جهت تأثیر در تعیین هدف و تدوین محتوای برنامه درسی نمی‌تواند جامعه‌گریز باشد (عسگریان، ۱۳۸۵). از طرف دیگر تجربه‌های یادگیری که بر ویژگی‌های فرهنگی افراد و گروه‌ها مبتنی می‌شوند، موفقیت‌آمیز هستند (ملکی، ۱۳۸۹).

یکی از بحث‌های مهم در تعلیم و تربیت امروزی در دنیا بحث چند فرهنگی است. دو نکته در رابطه با فرهنگ وجود دارد، اول اینکه هر شخص دارای فرهنگ است و هیچ روش فرهنگی خاصی ذاتاً با ارزش‌تر از بقیه نیست. هر شخص یا گروه اجتماعی دارای فرهنگ است و آن را به عنوان ابزاری برای اداره فعالیت بشری استفاده می‌کند. این بدین معناست که فرهنگ در تملک یا ویژگی یک بیگانه خارجی نیست بلکه متعلق به همه ماست. مسلط و تسلط داشته به تساوی. دوم این که هر فردی چند فرهنگی است. اعضای یک خانواده هم از نظر فرهنگی متنوع هستند. امکان ندارد افراد در یک جامعه مدرن پیچیده بزرگ شوند بدون اینکه مجموعه‌های فرهنگی مختلفی به دست آورند. هر فردی چند فرهنگی است مهم نیست زندگی یک شخص چقدر از نظر فرهنگی مجزا به نظر آید هر عضو میزان قابل توجهی از تنوع فرهنگی آن جامعه را با خود به همراه دارد (۲۰۰۷ Erickson). اصطلاح چندفرهنگی مفهومی است که در سال‌های اخیر مورد تأکید تعلیم و تربیت و به خصوص جامعه‌شناسی آموزش و پرورش قرار گرفته و منظور از آن این است که به رغم گسترش ارتباطات بین کشورها و حرکت آنها به سوی نظامی جهانی؛ تفاوت‌های فرهنگی بین آنها اهمیت خاصی دارد. در واقع می‌توان گفت که در حال حاضر «ملیت‌ها» و «اقوام» منطقه‌ای؛ مسئله گوناگونی فرهنگ‌ها و حفظ هویت‌های متفاوت فرهنگی خواسته منطقی و طبیعی میلیاردها انسان ساکن کره زمین است. گوناگونی فرهنگ‌ها به قاره‌ها و کشورها محدود نمی‌شود و در درون هر کشور نیز می‌توان اقوام و ملیت‌های گوناگونی را مشاهده کرد که به رغم تفاوت‌های فرهنگی با یکدیگر در درون فرهنگ ملی به حیات خود ادامه می‌دهند. این گوناگونی در اکثر کشورهای جهان قابل مشاهده است و به استناد آمار، تنها ۱۰ درصد کشورهای جهان را می‌توان کشورهایی همگن و یکدست به حساب آورد. یکی از راه‌های مناسب برای رویارویی با دنیای تحول‌گرای امروز آموزش چندفرهنگی است. برنامه درسی در این شرایط با تأکید بر خصوصیات فرهنگی اقلیت‌ها می‌تواند در جهت رشد و تقویت فرهنگ‌های بومی و در نهایت تقویت فرهنگ ملی نقش بسزایی داشته باشد (پیش باز و نورآبادی، ۱۴۰۱).

هدف اصلی آموزش چند فرهنگی کمک به دانش‌آموزان جهت توسعه مهارت‌های تصمیم‌گیری و اقدامات اجتماعی است. زمانی که دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که وضعیت‌ها و رویدادها را از منظر و نقطه نظرهای متنوعی نگاه کنند تفکر انتقادی‌شان نیز ارتقا پیدا می‌کند (Banks, ۲۰۰۹). بنابراین از جمله نهادهای مهم جامعه که با تنوع فرهنگ‌ها مواجه است، آموزش و پرورش است. امروزه به دلایل گوناگون از جمله مهاجرت، بافت اجتماعی مدارس از تنوع قومی و مذهبی زیادی برخوردار است. مدیران مدارس نقش مهمی در رهبری جامعه‌ی مدرسه به منظور هویت بخشی و نمود فرهنگ نسل آینده ساز اقوام و مذاهب دارند. مدرسه فضای بسیار مناسبی برای متجلی شدن عناصر فرهنگی اقوام و مذاهب گوناگون است که اگر با مدیریت مناسب همراه باشد باعث فراهم شدن بستری پرنشاط و پویا برای فعالیت‌های آموزشی و در کنار آن مشارکت هر چه بیشتر دانش‌آموزان در

امور فرهنگی، هنری، ورزشی و... می‌گردد. مهارت‌های مدیریت تنوع فرهنگی از نیازهای اساسی مدیریت سیستم آموزش و پرورش است که اگر در کنار مهارت‌های مدیریت آموزشی قرار گیرد رشد و بالندگی آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان و ارتقای بهره‌وری در سیستم آموزشی را به دنبال دارد (پورموسوی و همکاران، ۱۳۹۹).

مبانی نظری

برنامه‌ی درسی آموزش چندفرهنگی

آموزش چند فرهنگی روش جدیدی در تدریس نیست؛ بلکه یک رویکرد تازه در آموزش است. با این حال، برای پیشبرد اهداف آموزش چندفرهنگی باید‌ها و نبایدهایی در برنامه‌ی درسی در نظر گرفته می‌شود. معمولاً گروه سنی پایه ابتدای و متوسطه اول بیشتر مورد توجه آموزش چندفرهنگی قرار می‌گیرند؛ چرا که دوران کودکی دوران مهمی در شکل‌گیری اعتقادات و باورهای انسانی است. مهمترین عاملی که در تنظیم برنامه درسی مورد توجه قرار می‌گیرد خود کودک است این برنامه درسی کودک را در این سه زمینه مورد توجه قرار میدهد:

- باسواد کردن کودک در زمینه مهارت‌های اساسی (خواندن نوشتن حساب کردن و استدلال کردن و ...)
- ایجاد احساس احترام و غرور در کودک نسبت به تنوع فرهنگی قومی و منطقه‌ای؛
- هدایت کودک در جهت یک زندگی مولد از طریق آموزشی که تا حد ممکن در آن از طبقه بندی خبری نیست.
- همچنین محتوای آموزش چند فرهنگی باید در برگیرنده‌ی موارد زیر باشد:
- برنامه درسی باید طوری تهیه شود که در آن به طور دائم نظریات تجارب و مشارکت فرهنگ‌های گوناگون ارائه شود.
- برنامه درسی باید مطالبی را به خدمت بگیرد که از اهانت تبعیض، عقاید، قالبی نژاد پرستی و ترجیح جنسیت به دور باشد.
- برنامه درسی باید با افراد و گروه‌های مختلف فرهنگی به طرز مثبتی برخورد کند و افراد گروه‌های فرهنگی را به دور از تعصب و در صورت لزوم به عنوان افرادی فعال و پویا معرفی نماید.
- برنامه‌ی درسی و روش‌های یاددهی و یادگیری باید بر زمینه‌های فرهنگی کودکان متکی باشد و مفاهیم آن براساس زندگی روزانه و تجارب آنها تنظیم شود.
- برنامه درسی باید دسترسی یکسان تمام کودکان را به آموزش امکان پذیر نماید. (گزین، ۱۳۹۹).

عناصر و مؤلفه‌های تعلیم و تربیت چند فرهنگی

تعلیم و تربیت چند فرهنگی حوزه‌ای مطالعاتی است که هدف عمده آن برابری فرصت‌های تعلیم و تربیتی برای نژادها اقوام و گروه‌های مختلف فرهنگی است "همچنین از دیدگاه (Green, ۲۰۰۹) برنامه درسی چند فرهنگی حوزه‌ای از مطالعات است که از اهداف مهم آن کمک به همه دانش‌آموزان در دستیابی به دانش، نگرش و مهارت‌های مورد نیاز برای انجام وظایف اثر بخش در یک جامعه چند فرهنگی است. هدف برنامه درسی چند فرهنگی قادر ساختن دانش‌آموزان در شناخت ارزش‌های بومی است طراحی فعالیت‌های آموزشی باید موجب جذب عناصر غنی فرهنگ بومی شود تا از این طریق زمینه لازم برای رشد افراد

فراهم شود. پرورش ظرفیت های واکنش انتقادی توان استدلال و داوری و تقویت توانمندی‌هایی نظیر عشق به حقیقت کنجکاو ذهنی و شک سازنده در ادعاها و همچنین استفاده از تمامی سرمایه‌های فرهنگی بشر و ایجاد گرایش انسانی به جای گرایش اجتماعی خاص است به طور کلی میتوان گفت تعلیم و تربیت چندفرهنگی در پی رهاسازی کودک از محدودیت ها و سخت گیری هایی است که در محور قومی نژادی وجود دارد. در زمینه تعلیم و تربیت طرفداران رویکرد چند فرهنگی با انکار نظرات شبیه سازی فرهنگی یا یکسان سازی فرهنگی و نفی دیدگاه‌های قوم گرایی به شکلی از تعلیم و تربیت تأکید دارند که سوگیری آن تکرگرا و متوجه نفی صورت‌های ناسیونالیستی و نژادگرایی در تعلیم و تربیت باشد. (مصطفی زاده و همکاران، ۱۳۹۸).

اهمیت آموزش چندفرهنگی در برنامه درسی

۱. واقعیت اجتماعی: جهان ما، جهانی کثرت گرا به لحاظ اجتماعی است و دارای گونه‌های مختلف اقوام است. تنوع نژادی، فرهنگی، قومی، زبانی از بارزترین مشخصه‌های جهان امروز به شمار می‌رود. تحقیقاتی نظیر تحقیق اسمیت حاکی از آن بود که وقتی گروه‌های قومی وسعت پیدا می‌کنند و از نظر سیاسی دارای اهمیت بیشتری می‌شوند؛ بنابراین لازم است سیاست‌ها و برنامه‌های اجتماعی پاسخگوی منافع آنها نیز باشد.

۲. تأثیر فرهنگ و نژاد انسان بر رشد و پیشرفت او: فرهنگ؛ رفتار، نگرش و ارزش‌های انسان را شکل می‌دهد. در یک جامعه کثرت گرا تصمیم گیری آموزشی پاسخگو زمانی تحقق خواهد یافت که رهبران آموزشی برنامه‌های خود را با آگاهی از چگونگی شکل گیری نگرش‌ها، ارزش‌ها، رفتارهای خود و دانش آموزانشان توسط فرهنگ طراحی نمایند.

۳. شرایط تدریس و یادگیری اثربخش: در آموزش چندفرهنگی، یاددهی و یادگیری، فرایندهای فرهنگی محسوب می‌شوند. برای اینکه بهترین آموزش به لحاظ (کیفی) صورت بگیرد باید فرهنگ دانش‌آموزان به دقت بررسی شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. به عبارت دیگر بسیاری از تفاوت‌های دانش آموزان در یادگیری به فرهنگشان باز می‌گردد. صادقی (۱۳۸۹)

در ارتباط میان فرهنگ و تدریس و یادگیری به این مورد اشاره کرده است که: الف) آموزش چندفرهنگی مبنایی برای دانش‌آموزان حاضر در یک جامعه کثرت گرا از لحاظ فرهنگی، قومی و اجتماعی است. ب) قومیت و فرهنگ متغیرهای مؤثری در شکل دهی به هویت و رفتار فردی هستند. پ) جامعه پذیری فرهنگی در شخصیت انسان از ابتدا به طور عمیق ریشه دوانده و تا آخر عمر او تداوم می‌یابد. ت) تنوع فرهنگی واقعیت امروز جامعه جهانی است. ث) آموزش چندفرهنگی تکمیل کننده آموزش کیفی است. ج) قومیت فرهنگ و انسان بودن به طور تفکیک ناپذیری به هم پیوسته‌اند و رابطه متقابل با یکدیگر دارند. هینتون (۲۰۱۱) نیز بیان می‌دارد آموزش چندفرهنگی باید چارچوبی را برای توجه به نابرابری‌های آموزشی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراهم کند. معلمان باید: ۱) از تدریس برنامه درسی پنهان اجتناب کنند؛ ۲) یاد بگیرند چگونه برنامه درسی فرهنگی را آماده کنند؛ ۳) هدف‌هایی تنظیم کنند که از مدل تعلیم و تربیت چند فرهنگی و برنامه درسی فرهنگی بهره ببرد؛ ۴) والدین را در تعلیم و تربیت بچه‌ها دخالت دهند؛ و ۵) بر روی تغییر نگرش‌ها کار کنند.

با عنایت به توضیحات ارائه شده فرهنگ در برنامه درسی به دو دلیل حائز اهمیت است نخست اینکه روابط فرهنگی درون یک جامعه یا کشور مستقیماً مسائل برنامه درسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و دوم اینکه چگونگی تأثیر فرهنگ‌های جهانی بر محیط‌های آموزشی را در آموزش و پرورش کشورها تحلیل می‌کند و بررسی می‌کند. نگرانی‌ها در مورد انتقال فرهنگی تا چه مرزهایی قابل تسری است. هر چند در مورد پدیده‌های فرهنگی نظرات و چشم اندازهای گوناگون و متفاوتی وجود دارند، اما در این خصوص همفکری لازم است که بدون اطلاع از پدیده‌های فرهنگی نمی‌توان درک درستی از دانش ارزشمند در برنامه

درسی داشت. پس هرگونه تحلیل یا تفسیر برنامه درسی بدون درک مسائل فرهنگی، کوتاه بینانه و مسئله آفرین خواهد بود. رکود فرهنگی باعث رکود برنامه درسی و رکود برنامه‌های درسی موجب رکود فرهنگی می‌شود (قادری و کرمار، ۱۳۹۳). به بیانی دیگر، فرهنگ به عنوان یک نیاز ضروری در جوامع چندفرهنگی که می‌خواهند به صورت مسالمت آمیز زندگی مشترکی را دنبال کنند، باید مورد توجه قرار گیرد. در دنیای امروزی که دنیای اطلاعات و ارتباطات نامیده می‌شود کشورها تعاملات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با یکدیگر دارند. از این رو انتظار می‌رود این تعاملات در حوزه آموزش و پرورش نیز تأثیرگذار باشد. در داخل کشور نیز شاهد تنوع نژادی، فرهنگی، قومی، طبقه اجتماعی، دینی و زبانی نیز هستیم که این امر بر چندفرهنگی بودن کشور اشاره دارد. آموزش چندفرهنگی فرآیند تحول اجتماعی است. در این زمینه یک رویکرد مترقی برای تغییر آموزش مورد نیاز است. مفهومی از آموزش چندفرهنگی باید برای فرهنگ مناسب بازنگری و توسعه یابد همچنین زمینه قبل از اجرای آن در فرآیند آموزش و یادگیری نیاز شدیدی به توسعه آموزش چندفرهنگی به عنوان الگویی برای رویارویی با رشد دارد. در قرن بیست و یکم جوانان بطور فزاینده‌ای با چالش‌های جهانی مواجه می‌شوند. بنابراین لازم است توانایی کار در فراسوی فرهنگ‌ها و مرزهای سیاسی را کسب نمایند. همچنین آنها باید توانایی درک فرهنگ‌های دیگر را افزایش داده و دید مدرن داشته باشند. جوانان باید ارزش‌های وحدت و تنوع و اجرای آن در جامعه را در خود بپذیرند. باید اشاره کرد در این بین قدردانی مثبت از هویت‌های قومی، فرهنگ، زبان، ظاهر فیزیکی، مذهب و رنگ پوست بسیار مهم است. آموزش چندفرهنگی به یک تعهد جهانی تبدیل شده است که در اکتبر ۱۹۹۴ توسط یونسکو در ژنو این توصیه شامل چهار ایده بود.

اول: آموزش و پرورش باید توانایی درک ارزش‌های افراد، جنسیت‌ها، جوامع و فرهنگ‌ها و توانایی برقراری ارتباط، اشتراک گذاری و همکاری با یکدیگر را فراهم کند. دوم: آموزش باید هویت ایجاد کند و همگرایی ایده‌ها و راه حل‌ها را تشویق کند. نیز باعث تقویت صلح برادری و همبستگی بین افراد جامعه شود. سوم: آموزش باید توانایی غلبه بر تعارضات را به صورت مسالمت آمیز افزایش دهد. چهارم: آموزش و پرورش باید آرامش را در ذهن دانش‌آموزان تقویت کند تا بتوانند جایگاه بالاتری بسازند. کیفیت، تحمل، صبر و اراده برای به اشتراک گذاشتن و حفظ صلح، وظیفه آموزش چندفرهنگی است. لازم به ذکر است آموزش چندفرهنگی ادغام محتوا، فرآیند ساخت دانش، کاهش تعصب، آموزش برابری، و فرهنگ مدرسه و اجتماعی توانمند است؛ به این معنی که یک ساختار پیچیده و چند بعدی در داخل وجود دارد. آموزش چندفرهنگی با تحقق تمام این پنج بعد، دانش‌آموزان دارای توانایی ساخت ایده آل‌های خود بر اساس آنچه می‌آموزند، تربیت می‌کند. چنین دانش‌آموزانی قادر خواهند بود که درک درستی از نحوه واکنش به مشکلات اجتماعی داشته باشند. به عنوان هدف اصلی، بهبود محیط و فضای آموزشی باید در حال افزایش باشد البته با احترام و توجه به گروه‌های مختلف فرهنگی برای تسهیل برابری در آموزش. این نکته نیز باید لحاظ شود که مهم‌ترین هدف در آموزش چندفرهنگی به یادگیری مادام‌العمر تبدیل می‌شود. در مجموع آموزش چندقومیتی نوعی از آموزش است که به فراگیران کمک می‌کند تا آگاهی‌های لازم را کسب کنند و شایستگی‌های مناسب برای مشارکت در دنیای دموکراتیک داشته باشند. همچنین به کمک افراد، اقوام مختلف گروه‌ها می‌توانند شانس مساوی برای یادگیری داشته باشند (پیش‌باز و نورآبادی، ۱۴۰۱).

محققان و نظریه پردازان معتقدند که آموزش چندفرهنگی هم یک ضرورت و هم یک مزیت جهت موفقیت تحصیلی و اجتماعی در میان دانش‌آموزان با قومیت و فرهنگ‌های مختلف می‌باشد. بنکس (۲۰۱۹)، فورد (۲۰۰۵)، گرانت و و تاتی (۱۹۹۵) با در نظر گرفتن اهمیت تجارب فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان در برنامه‌های درسی، به این نکته اشاره می‌کنند. لادسون بیلینگز (۱۹۹۴) معتقد است که برنامه ریزان درسی می‌توانند با مهم دانستن فرهنگ و تجارب روزانه دانش‌آموزان یادگیری را به حداکثر برسانند. شایان ذکر است منظور از چندفرهنگ گرایی که در سال‌های اخیر در تعلیم و تربیت و به خصوص جامعه شناسی تعلیم و تربیت بر آن تأکید شده؛ این است که با وجود گسترش ارتباط بین کشورها و حرکت آنها به سوی نظامی

جهانی، مسئله اقوام و تفاوت‌های فرهنگی بین آنها همچنان اهمیت خاصی دارد. می‌توان گفت چند فرهنگ گرایی ارتقاء ارزشگذاری نسبت به تنوع و فرصت‌های برابر برای همه افراد از طریق درک دیدگاه‌های گروه‌های نژادی، قومی، فرهنگی، زبانی، مذهبی، جنسیتی و افراد با توانایی‌ها و ناتوانایی‌های فیزیکی است. در همین راستا صادقی (۱۳۹۱) در پژوهش خود طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی چند فرهنگی برای تربیت معلم ایران بیان می‌دارد بحث درباره پاسخگویی فرهنگ به برنامه‌های درسی و طراحی برنامه درسی پاسخگو و حساس به فرهنگ در طراحی برنامه‌های درسی رسمی کشور تا اندازه زیادی مغفول واقع شده است. با توجه به اینکه اسناد و قوانین بالادستی کشور به تناسب و به دفعات موضوع توجه به فرهنگ‌ها و چندفرهنگی را مورد تأکید قرار داده است اما در تدوین سیاست‌های اجرایی و در برنامه‌های درسی این امر مغفول واقع شده است (صادقی، ۱۳۹۱).

پیشینه پژوهش

لین جینگ (۲۰۰۷) به احترام، تنوع قومی و خرده قوم‌ها در پژوهش خود پرداخت. در این مطالعه نشان داد احترام به خرده قوم‌ها سبب افزایش درک نژادی و قومی و تعامل در کلاس‌ها می‌شود. مطالعه فیسا و کریستین (۲۰۱۱) نیز به احترام برای تنوع اقوام در نظام آموزش عالی اشاره دارد که زمینه عملکرد بهتری را فراهم می‌کند. همچنین آروین (۲۰۰۱) در پژوهش خود اشاره کرد که برنامه درسی چندفرهنگی باعث احترام میان اقوام و پذیرش فرهنگ خود و دیگران می‌شود.

جانسون (۲۰۱۱) در پژوهش خود عنوان می‌کند چنانچه کلاس درس چندفرهنگی اجرا شود دانش‌آموزان در این محیط‌ها کمتر به خاطر اختلافات و تفاوت‌های نژادی آسیب می‌بینند و از هرگونه بی‌عدالتی و نابرابری تحصیلی دور می‌شوند. مطالعه ونلین (۲۰۱۰) نیز نشان داد که در محیط‌های چندفرهنگی که آموزش مبتنی بر فرهنگ صورت می‌گیرد تأثیرات مثبت در دانش‌آموزان و به خصوص افت تحصیلی تا حدودی برطرف می‌شود.

عراقیه و فتحی واجارگاه (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «جایگاه چند فرهنگی در آموزش مدرسه‌ای و آموزش عالی در بررسی چندفرهنگی در آموزش مدرسه‌ای و بیان آثار آن در آموزش عالی» احساس برتری، تعصبات فرهنگی و ضعف اطلاعاتی همه دانش‌آموزان از شخصیت و آثار فرهنگی برجسته را نشان می‌دهد. همچنین قادرزاده و شفیع نیا (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر ساختار اجتماعی بر قوم گرایی دانشجویان» وضعیت قوم‌گرایی دانشگاه‌های سنج را بررسی کردند که نتایج نشان داد متغیرهای سابقه دانشجویی، یادگیری تعاملی، تعاملات اجتماعی و روابط انجمنی اثرات مؤثر و کاهش دهنده ای بر قوم گرایی داشته است و درصد کمی از قوم گرایی دانشجویان را بیان می‌کند.

روش پژوهش

در نگارش پژوهش حاضر از روش مروری- کتابخانه ای استفاده شده است. برای گردآوری اطلاعات به کتاب‌ها و مقالات معتبر در بانک‌های اطلاعاتی مگیران، علم‌نت، پرتال جامع علوم انسانی، Google scholar و... به جستجو پرداخته و بعد از پیدا کردن منابع مرتبط با موضوع به بررسی و مطالعه پرداخته و بعد از تجزیه و تحلیل اطلاعات به یافته‌های منسجم و منظمی در این زمینه دست یافتیم.

یافته‌ها

بر اساس یافته‌هایی که با بررسی مقالات و مطالب گفته شده در این زمینه به دست آوردیم جنبش برنامه درسی چند فرهنگی در میان فاصله اضطراب اور ایده آل ما و عمل واقعی گرفتار شده است برای صدور اعتبار نامه استاندارد های آموزشی

دانشجویان تربیت معلم در خصوص چند فرهنگی شورای ملی تاسیس شده است. اما این جنبش هنوز هم با چالش هایی مواجه است. این چالش ما طوری تدوین شده است که ضمن برخورداری از ویژگی های جهانی، مرتبط با چالش های موجود در نظام ایران نیز باشد. این چالش ها عبارتند از : چالش دانش، چالش طراحی، چالش معلم و تربیت معلم، چالش تدریس و ارزیابی، چالش محیط مدرسه، چالش مقاومت دانش آموزان.

الف) چالش دانش (سیاست گذاران برنامه ریزان و مجریان)

چالش اول به اقدامات قبل از طراحی و تدوین برنامه مربوط می شود. منظور از چالش دانش، دانش درست و صحیحی است که همه دست اندرکاران برنامه درسی چند فرهنگی باید از آن آگاهی یابند، به نظر می رسد جامعه ما اسیر پنداشت های ناصحیحی است که از مفهوم چند فرهنگی و یا از برنامه درسی چند فرهنگی در ذهن خود دارد اما نکته این است که اندازه و ابعاد چالش در همه گروه های درگیر با برنامه درسی یکسان نیست به طوری که به نظر میرسد تا زمانی که هنوز چالش دانش میان سیاست گذاران کلان کشور به طور گسترده ای وجود دارد و هنوز سیاست گذاران رابطه مشخص و معنی داری با مفهوم چند فرهنگی و برنامه درسی چند فرهنگی برقرار نکرده اند. چالش دشواری است که باید بر آن فائق آمد.

ب) چالش طراحی

منظور از چالش طراحی، چالش در طراحی برنامه های درسی چند فرهنگی است.

ج) چالش معلم و تربیت معلم

چالش دیگر مقاومت احتمالی برخی از معلمان نسبت به اجرای برنامه های درسی چند فرهنگی است که امروزه در سطح جهانی مشاهده می شود . برخی از معلمان به ارزش های این رویکرد و نقش آن در توسعه مهارت های تحصیلی دانش آموزان آگاهی کافی نداشته و به همین جهت در اجرای این نوع برنامه ها نیز مشارکت چندانی نمی کنند.

این مسئله هنگامی چالش انگیز میشود که برخی از آنها اساساً تفاوت های قومی و فرهنگی را نمی پذیرند و یا ممکن است درباره ی توانایی و خصوصیات افراد دارای زمینه های فرهنگی متفاوت ، پیش از اینکه انسان را دیده یا شناخته باشند قضاوت شتاب زده منفی کنند.

مسئله دیگر به مراکز و و دانشگاه های متولی و دست اندرکاران تعلیم و تربیت دانشجو معلمان مربوط میشود. یکی از متعدد ترین چالش هایی که این مراکز با آن روبه رو هستند عدم اطلاع مدرسان این گونه مراکز با مفاهیم، اصول و اهداف برنامه درسی چند فرهنگی است. از سوی دیگر محتواهای برنامه درسی این نوع مراکز نیز با جهت گیری چند فرهنگی تدوین نشده است بدین جهت دانشجومعلمان نیز در این زمینه کافی به دست نیامده، و به تبع آن قادر نیستند این نوع اطلاعات را در اختیار مخاطبان خود قرار دهند.

د) چالش تدریس و ارزیابی

روش های تدریس و ارزشیابی مبتنی بر آموزش چند فرهنگی نیز از جمله موارد دیگری است که میتوان آنها را در قالب چالش های این رویکرد محسوب نمود در موفقیت در رویکردی توجه به بخش اجرا و ارزش یابی به اندازه اهداف ان رویکرد با اهمیت است بدین جهت ، بخش اجرا و ارزشیابی نیز باید به نفع چندفرهنگی تغییر یابد. اتخاذ تدابیر لازم برای طراحی روش های

تدریس، مدیریت و ارزشیابی مبتنی بر برنامه درسی چند فرهنگی با توجه به ضعف مبانی نظری موجود در این حوزه می تواند به عنوان چالش مدنظر قرار گیرد.

ه) چالش محیط مدرسه

چالش دیگر ایجاد محیط مدرسه ای است که مظهر احترام به همه اشکال تنوع فرهنگی باشد از آنجا که مدارس نماینده جامعه محسوب می شود. متولیان مدرسه باید تجارب یادگیری مناسبی را برای کودکان مختلف با متفاوت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی طراحی کنند. علاوه بر این، مواردی چون تنوع برنامه های درسی، محیط های یادگیری فراگیران و کارکنان است که باید ماهیت وجهت گیری چند فرهنگی را در مدرسه منعکس سازند. یکی دیگر از چالش های مرتبط با محیط مدرسه عدم مشارکت خانواده هایی که به لحاظ اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در سطح پایین تری قرار دارند. یک برنامه آموزش چند فرهنگی تمام عیار، نقش والدین، خانواده ها و جامعه را برای موفقیت اقدامات خود شرط لازم می داند.

ی) چالش مقاومت دانش آموزان

موضوع مقاومت دانش آموزان نسبت به یادگیری فرهنگ دیگران یکی دیگر از چالش هایی است که نظام آموزشی ممکن است با آن مواجه شود. دانش آموزان همچون سایر افراد جامعه نسبت به فرهنگ های دیگر اطلاعات ناقصی دارند که سبب شده است تعامل اندکی با فرهنگ های دیگر برقرار کنند. بدین جهت مقاومت برخی دانش آموزان در تعامل با فرهنگ ها و زبان های دیگر و یا یادگیری فرهنگ و تاریخ اقوام دیگر تا حدودی چالش بر انگیز است. (صمدی و تقی زاده، ۱۳۹۹).

چند فرهنگی چه جایگاهی در تعامل بین معلمان و دانش آموزان دارد.

سیطره نظام آزمون های استاندارد بر آموزش مدرسه ای سبب شده است تا مدرسه از سایر کارکردهای تربیتی خود غافل شده و از آنها فاصله بگیرد. با توجه به اینکه فرهنگ مدرسه، رقابت را که وسیله ای انگیزشی برای دانش آموزان است تنها به نمره موقوف کرده است. بنابراین آنچه در کلاس درس می ماند عمل رقابت آمیز دانش آموزان در تقابل با یکدیگر است و هر مسئله دیگری که با این وظیفه به ظاهر اصلی مدرسه تطابق نداشته باشد؛ موضوعی حاشیه ای، وقت گیر و غیرضروری تصور می گردد. در این وضعیت پرورش شهروندان جهانی که فرهنگ خود و دیگران را به رسمیت بشناسند، مسئله ای حاشیه ای بوده و دارای جایگاه ضعیفی می باشد. با توجه به اینکه آموزش چندفرهنگی نیازمند تمرین های متنوع آموزشی، تشویق به همکاری و مراقبت از یکدیگر بوده و این مسئله در آموزش مدرسه ای مغفول واقع شده و به نظر می رسد داوطلبان ورود به دانشگاه ها در این خصوص آمادگی لازم را نداشته باشند. به عنوان نمونه به یکی از ژورنال نویسی های دانش آموزان در بخش تعامل دانش آموزان و معلمان اشاره می گردد. «ما یک دانش آموز در کلاسمان داریم که لهجه لری دارد و درست بلد نیست حرف بزند. هر وقت معلم به او می گوید از روی متن کتاب بخواند، دو خط که می خواند خود معلم هم پشیمون می شود و می گوید دیگه بسه. یک روز رفت درس جواب بدهد و بلد نبود معلم هم رو به او کرد و به او گفت: همین دهاتی ها هستند که تهران را خراب کردند. دیگه بنده خدا کلی خجالت کشید. بچه ها هم به خاطر لهجه اش خیلی مسخره اش می کنند.»

بدون شک احترام به دانش آموزان فرهنگ های مختلف با مراقبت و دلسوزی برای شاگردانی که در اقلیت قرار دارند متفاوت می باشد. اگر در آموزش چندفرهنگی به جای احترام به افراد رفتارهای ما حاوی نوعی مراقبت و دلسوزی باشد، این موضوع می تواند بیانگر تلقین نابرابری فرهنگی به دانش آموزان باشد که توجه به این نکته ظریف در آموزش چندفرهنگی لازم است (عراقیه و فتاحی و اجارگاه، ۱۳۹۱).

چندفرهنگی چه جایگاهی در فضا و ساختار مدرسه دارد.

در رویدادهای مدرسه نظیر مراسم صبحگاه، زنگ‌های تفریح، ورزش و غیره؛ در اسناد و مدارک مانند بخشنامه‌ها، آیین نامه‌های اجرایی و آموزشی؛ در مکان‌ها نظیر کلاس‌ها، راهروها، اتاق معاونت، مدیریت، سایت رایانه و همچنین اشیاء مدرسه مانند تابلوها؛ سیطره آزمون‌های استاندارد و رقابت‌های فردی دانش‌آموزان با یکدیگر قابل مشاهده بوده است. همچنین در این فضا آموزش مدرسه‌ای نیز باید در خصوص عملکرد خود پاسخگوی مسئولین بالاتر منطقه آموزشی بوده و بر این اساس در بعد فضا و ساختار مدرسه نیز هر مسئله دیگری که با این وظیفه به ظاهر اصلی مدرسه تطابق نداشته باشد مورد کم‌مهری قرار می‌گیرد. در این فضا رقابت فردی و کسب نمره حتی به قیمت حذف دیگران جریان داشته و آموزش چندفرهنگی که لازمه آن درک، پذیرش و همدلی و روابط سازنده میان فراگیران است جایگاه مناسبی ندارد (عراقیه و فتحی واجارگاه، ۱۳۹۱).

ضرورت‌های تربیت معلمان آشنا به آموزش چند فرهنگی در نظام آموزشی ایران

در بخش‌های آموزش تصویر بر این است که فرهنگ بر یادگیری دانش‌آموزان تأثیر زیادی دارد و بسیاری از نظام جنبه‌های فرهنگ هر فرد در ایجاد هویت در فراگیری و دست‌یابی وی به خودپنداره تأثیر می‌گذارد و بر باورها، ارزش‌ها نگرش‌ها انتظارات روابط اجتماعی زبان مورد استفاده و سایر رفتارهای فرد مؤثر واقع می‌شود کیفیت تربیت معلم و صلاحیت‌ها و توانایی‌هایی که در این نظام به کارگزاران اصلی تعلیم و تربیت اعطا می‌شود مشخص خواهد کرد که چه نوع سیاست‌ها و برنامه‌هایی را میتوان در پیش گرفت یا تا چه میزان میتوان به ایجاد تحول در راهبردها و رویکردهای سنتی امیدوار بود برنامه‌های تربیت معلمان باید راهبردهایی را به معلمان یاد دهد که بیان‌کننده نقش تاریخی همه اقوام و ملیت‌ها در تعالی کشور باشد و از هرگونه قوم‌مداری و برتری یک قوم و تحلیل سایر فرهنگ‌ها در فرهنگ مسلط خودداری کند برنامه‌های تربیت معلم، به خصوص باید منابع مطالب نیروی انسانی و دانش پایه‌ای را فراهم آورد که در خدمت آموزش چندفرهنگی باشد. ضرورت آموزش معلمان در جهت پذیرش و حتی قدردانی از تنوع فرهنگی آشکار است و آموزش معلمان و برنامه‌ریزی آن باید طوری سازمان داده شود که به نیازهای همه کودکان به مثابه بخشی از جامعه متنوع امروزی پاسخ دهد معلمان باید مهارت‌های لازم را برای کار کردن با گروه‌های مختلف فرهنگی داشته باشند و اهمیت فرهنگ را در فرآیند یاددهی-یادگیری درک کنند. (مصطفی زاده، ۱۳۹۸).

فعالیت‌های کلاسی در آموزش چندفرهنگی

فعالیت‌های کلاسی اجزاء ضروری آموزش چند فرهنگی هستند لازم است که فعالیت‌های کلاسی با هنجارهای اجتماعی متفاوت کودکان و ارزش‌های فرهنگی آنها منطبق شود تا بتواند یادگیری این کودکان را به شکل مناسبی تحقق بخشد علاوه بر این فعالیت‌های کلاسی باید به گونه‌ای باشد که مفهوم تفاوت‌های فرهنگی را مورد تأیید قرار دهد و بر آن ارزش نهد.

برخی فعالیت‌های کلاسی به شرح زیر هستند:

• از دانش‌آموزان بخواهید درباره موضوعات مربوط به فرهنگ‌های گوناگون داستان‌های کوتاهی بنویسند یا در این باره به پژوهش و گفت‌وگو بپردازند.

• درباره‌ی قانون اساسی و حقوقی که برای اقوام و ملیت‌های مختلف در نظر گرفته است بحث کنید .

• دانش‌آموزان را به بازدید از نقاطی ببرید که به فرهنگ‌های غیر غالب متعلق است و درباره سهم آن‌ها در اعتلای کشور صحبت کنید.

• درباره ی نحوه متفاوت زندگی اقوام و گروه های فرهنگی بحث کنید و وجوه گوناگون زندگی آن ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید.

• در محور بحث های گروهی مسئله دانش آموزان کمک کنید که به عدالت اجتماعی فکر کنند ارزش هایشان را محک بزنند و در صورت داشتن عقیده ای، خاص نتایج و جوانب اعتقادات شان را بررسی کنند.

• موضوعات نمایشی هنری و فعالیت های کلاسی باید به گونه ای انتخاب شوند که شناخت فرهنگی و قومی را در کودکان برانگیزند و در اجرای نمایش به میتوانید نقش های غیر کلیشه ای متعلق فرهنگ های مختلف را از دانش آموزان بخواهید.

• درمورد خردسالان میتوانید نمایش هایی عروسکی ترتیب دهید که در آنها هر عروسک نماینده ی قوم یا فرهنگی خاص باشد. داستان را طوری انتخاب کنید که تعصب را کاهش دهد. (گزین، ۱۳۹۹).

گی در سال ۲۰۰۶ اهداف آموزش چندفرهنگی را در شش خوشه کلی طبقه بندی کرده است:

اولین هدف رشد و توسعه فردی است. رشد و توسعه فردی بیان می کند که داشتن حس بهتر درباره خویشتن بر پیشرفت های کلی، ذهنی تحصیلی و اجتماعی دانش آموزان تأثیر گذار است. دانش آموزانی که درباره خود احساس خوبی دارند؛ به احتمال زیاد اجتماعی تر بوده و تعاملات بیشتری را با دیگران پذیرفته و به فرهنگ و هویت آنان احترام می گذارند. این استدلال را میتوان در مورد روابط میان خودپنداری، پیشرفت تحصیلی قومیت فرهنگ و هویت فردی بیشتر توجیه نمود. آموزش چند فرهنگی به متولیان تعلیم و تربیت کمک می کند اهداف مربوط به افزایش حداکثری توانایی انسانی، برآورده ساختن نیازهای فردی و آموزش به کودک را با تقویت احساسات مربوط به خود ارزشمندی، اعتماد به نفس و توانایی آنها محقق سازند دومین هدف شایستگی های اجتماعی چند فرهنگی است. جهان به طور فزاینده ای متنوع رقابتی و در عین حال به هم وابسته تر می شود از سوی دیگر جامعه افراد را برای عملکرد اثربخش در زمینه چند فرهنگی و محیط های متفاوت قومی نژادی و فرهنگی به قدر کافی آماده نمی کند بدین لحاظ ضرورت دارد که دانش آموزان یاد بگیرند با افراد دارای تفاوت های قومی و فرهنگی و نژادی، تعامل درستی داشته باشند.

این امر به وسیله برنامه درسی چند فرهنگی امکان پذیر است. هدف سوم توسعه مواد قومی و فرهنگی است اشتباه رایج متولیان تعلیم و تربیت این است که تصور می کنند گروه های اقلیت قومی، فرهنگ و تاریخ خود را به خوبی می شناسند. برنامه درسی چند فرهنگی عکس آن را می گوید. عضویت در یک گروه قومی داشتن دانش و آگاهی نسبت به خود با داشتن دانش فراگیر درباره گروه را تضمین نمی کند کسب دانش درباره تاریخ، زندگی و فرهنگ گروه های قومی برای همه دانش آموزان شایسته است. زیرا آنان نیاز دارند با دقت زیاد راجع به میراث فرهنگی خود و میراث فرهنگی، دیگران مطالب بیشتری یاد بگیرند. علاوه بر این دانش درباره کثرت گرای قومی شالوده ای ضروری برای احترام، قدردانی، ارزش قائل شدن و تحسین کردن تنوع هم در سطح ملی و هم در سطح به شمار می آید. هدف چهارم آموزش چند فرهنگی تبیین نگرش ها و ارزشها است. هم اکنون تعصب شدید قومی و ارزش های قوم پرستانه در جامعه جهانی وجود دارد که برگرفته و مبتنی بر باورهایی است که هیچ مبنایی در واقعیت ندارند ولی عموماً زنده هستند گی (۲۰۰۶) چندین نمونه از این نکته را از کشور آمریکا بیان میکند؛ نرخ بالای بیکاری در میان آمریکاییان آفریقایی تبار پورتوریکویی، مکزیکی و و سرخپوستان آمریکایی مردم را به این باور سوق می دهد که این گروه ها تنبل بوده و اخلاق حرفه ای کمتری دارند برنامه درسی چند فرهنگی ارزش های اصلی را که از اصول عزت انسانی، عدالت، برابری، آزادی، استقلال فردی و دموکراسی ناشی میشوند ارتقاء میدهد قصد بر این است که به افراد یاد داده شود تا به کثرت گرای قومی احترام گذاشته و از آن استقبال کنند و در عین حال بدانند که تفاوت های فرهنگی

با ناکارآمدی ها و حقارت ها مترادف نیست. یکی دیگر از اهداف برنامه درسی چند فرهنگی تسهیل در فرایند تدریس و کسب مهارت‌های پایه در دانش آموزان دارای قومیت های مختلف است. اهمیت آن از تداوم ناکامی تحصیل دانش آموزان دوزبانه اقلیت های قومی و فرهنگی ناشی می شود. برنامه درسی چند فرهنگی بر این فرض با شده است که قسمتی از این ناکامی ها به جای اینکه با توانایی فکری دانش آموزان اقلیت در ارتباط باشد، به نارسایی های روش شناختی مدارس و شیوه های ارزشیابی مربوط میشود. برنامه درسی چند فرهنگی میتواند دانش و مهارتهایی را ارائه دهد تا برای زندگی دانش آموزان قومیت‌های گوناگون معنی دار باشد و در نهایت هدف آموزش چندفرهنگی بهبودی فردی برای اصلاح اجتماعی است. برنامه درسی چند فرهنگی باید فرایند تغییر در مدارس را در نهایت به جامعه خود شری دهند. این هدف از طریق پرورش نگرش ها، ارزش ها، عادات و مهارت ها در دانش آموزان اتفاقی خواهد افتاد به طوری که به منظور ریشه کن کردن اختلافات قومی و نژادی و تبدیل آنها به فرصت متعهد شوند تا جامعه را اصلاح کرده و نسبت به این تعهد علاقه مند باشند. برای این منظور دانش آموزان باید دانش خود را درباره مسائل قومی بهبود بخشیده و توانایی‌های تصمیم گیری مهارت‌های عمل اجتماعی، استعدادهای رهبری، سیاسی و تعهد اخلاقی برای عزت انسانی و برابری را در خود ایجاد کنند (گی، ۲۰۰۶).

عوامل موثر در چند فرهنگی بودن مدارس

بسیاری از مدارس به سادگی و بر اساس تنوع قومی موجود در میان خود، خود را به عنوان چند فرهنگی در نظر می‌گیرند. (Rosado, ۲۰۰۳) بیان می‌کند عواملی که باعث می‌شود که مشخص کنند یک مدرسه چندفرهنگی است یا نه؟ عبارت‌اند از: چشم انداز؛ سیاست‌ها؛ برنامه‌ها؛ کارکنان و اقدامات. از این پنج مورد، مهم‌تر از همه اقدامات است. مدارس چند فرهنگی دارای ویژگی‌های خاص خود هستند. (Abington, ۲۰۱۵) در پژوهش خود ویژگی‌های ذیل را برای این نوع مدارس برشمرده‌اند: (۱) مدیران مدرسه و معلمان برای همه دانش‌آموزان دارای انتظارات بالا و نگرش مثبت نسبت به آنها هستند. (۲) برنامه درسی رسمی نشان دهنده تجربیات، فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های گوناگون فرهنگی و قومی گروه‌هاست. (۳) سبک‌های آموزشی مورد استفاده توسط معلمان با یادگیری، سبک‌های فرهنگی و انگیزشی دانش‌آموزان مطابقت دارد. (۴) معلمان و مدیران به زبان اول دانش‌آموزان احترام می‌گذارند. (۵) مواد آموزشی مورد استفاده در مدرسه، رویدادها، موقعیت‌ها و مفاهیم را از منظر طیف وسیعی از گروه‌های فرهنگی، قومی و نژادی نشان می‌دهد. (۶) روش‌های ارزیابی و آزمون‌های مورد استفاده در مدرسه از لحاظ فرهنگی حساس هستند. (۷) تنوع فرهنگی و قومی در فرهنگ مدرسه و برنامه درسی پنهان منعکس می‌شود. (۸) مشاوران مدرسه انتظارات زیادی از دانش‌آموزان گروه‌های مختلف نژادی، قومی و زبانی دارند.

در مدارس چند فرهنگی مدیران علاوه بر ویژگی‌های عام یک مدیر مدرسه از ویژگی‌های خاص خود برخوردارند. چنان که (Simmons, ۲۰۱۶) در پژوهش خود بیان می‌دارد که مدیریت مدرسه چند فرهنگی از کاربرد اصول رهبری تحول گرا حمایت می‌کند. دانش‌آموزان

و معلمان ویژگی‌هایی از مدیر مدرسه را درک می‌کنند که با رهبری تحولی همسان است و با محیط‌های چند فرهنگی سازگار است. همچنین (Mathew, ۲۰۱۶) در نتایج حاصل از پژوهش خود با موضوع «بررسی رهبری در مدرسه چند فرهنگی» نشان داد که توانایی مدیر برای تصمیم‌گیری اشتراکی و ارتباط دیدگاه‌ها در مدرسه مهارت مهمی است. مدیر تأثیر عمیقی بر فرهنگ مدرسه گذاشته و همچنین محیطی امن برای یادگیری و تربیت فعال و حساس به دانش‌آموزان چند فرهنگی را برای معلمان ایجاد کردند. مدیر با استفاده از ویژگی‌های رهبری چندگانه، به ایجاد فرهنگ سازمانی در یک مدرسه چند فرهنگی کمک می‌کند. سبک رهبری برجسته مدیر، کنترل نیست. مدیر تمایل چندانی به کنترل ندارد و به کارکنان اعتماد می‌کند تا کارشان را انجام دهند. او از کارکنان حمایت می‌کند و همیشه تمایل به کمک دارد. مدیران مدارس چند فرهنگی برای موفقیت در

مدارس خود نیازمند آگاهی‌ها و مهارت‌های ضروری چندفرهنگی هستند (Malakolonth, ۲۰۱۰) در پژوهش خود بیان کرده که رهبران مدارس نیاز به دانش پایه‌ی کافی و شایستگی در رهبری و حمایت از مدارس چندفرهنگی برای یکپارچه سازی نژادها دارند. رهبران مدارس چند فرهنگی باید ارزش تنوع را به وسیله‌ی مدیریت پویای تغییرات از طریق فراهم کردن مهارت آموزشی و روشن سازی تعارض‌ها، نهادینه کردن دانش فرهنگی، نظارت در سطح مدرسه سازگاری با گوناگونی و ارزیابی کردن امور روزمره حفظ کنند. عملکرد موفق آموزش چند فرهنگی مستلزم مدیریت مؤثر این تنوع است. بر اساس تحقیق (Gorski, ۲۰۰۰)، در اشاره به محیط مدرسه بیان کرده است که تنوع اداری یک فرآیند مداوم است که در آن استعدادها و توانایی‌های مربیان، دانش آموزان، والدین و جامعه آزاد شده است. ایجاد مهارت‌های معلمان و نقش‌های آنها نیز در مدیریت مدرسه بسیار مهم است. (Goniwe, ۲۰۰۴) در تحقیق خود بر ضرورت همکاری مدیریت مدرسه و معلمان تأکید می‌کند و بیان می‌دارد که آنها باید باهم کار کنند و در رهبری مدرسه شرکت کنند. این امر به موفقیت اجرای یک برنامه آموزشی چند فرهنگی کمک خواهد کرد. در مدارس چند فرهنگی نقش جامعه و والدین از اهمیت خاصی برخوردار است. (Banks 2004) در تحقیق خود بیان می‌کند موفقیت اجرای برنامه‌های آموزشی چند فرهنگی، اصولاً دانش‌آموزان در دستیابی به مهارت‌های علمی و تبدیل شدن به شهروندان مولد می‌تواند

به طور فزاینده‌ای دشوار شود، مگر اینکه حمایت والدین و جامعه را به دنبال داشته باشد. موفقیت آموزش و پرورش چند فرهنگی در نظام آموزش و پرورش نیاز به تلاش مستمر همه‌ی افراد دارد. آموزش چندفرهنگی یک سرمایه گذاری مشترک است به استثنای فراگیران که نیاز به گذر از این روند دارند. مشارکت والدین و جامعه حیاتی است (پورموسوی و همکاران، ۱۳۹۹).

فقدان آموزش چندفرهنگی در نظام تربیتی کنونی

مطالعه و بررسی وضعیت کنونی نظام آموزش و پرورش نشان می‌دهد که نظام فعلی فاقد چهارچوب نظری و فلسفی در این حوزه است و تربیت چندفرهنگی جزء رسالت‌ها و برنامه‌های مغفول آن است. مباحث چند فرهنگی و جایگاه اقوام به تصریح در اسناد بالادستی ایران نظیر قانون اساسی و سند چشم انداز ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی مورد توجه بوده است با این وجود برنامه درسی نظام آموزش عمومی و آموزش عالی ایران از الگو و مبانی نظری روشن در این باب آموزش چند فرهنگی محروم است. در پژوهشی (Iraqiya, ۲۰۰۹) به این نتیجه دست یافته اند که از یکسو برنامه درسی آموزش عالی ایران به سبب مغفول بودن سیاست قومی و چند فرهنگی در ایران الگو و راهکاری در زمینه برنامه درسی چندفرهنگی ندارد و از سوی دیگر به کار بستن نتایج پژوهش‌ها درباره الگوی پیشنهادی چند فرهنگی و سیاست قومی مناسب ایران در هاله‌ای از ابهام و عدم قطعیت است.

یافته‌های پژوهشی حاکی از آن است که مؤلفه‌های هویت فرهنگی در کتابهای ادبیات فارسی دوره متوسطه یکسان نبوده و بیشترین میزان تأکید به ترتیب بر مؤلفه‌های مفاخر و آثار ماندگار و اسامی ایران و کمترین میزان ادبی تأکید به ترتیب بر مؤلفه‌های خرده فرهنگ‌ها و افتخارات ملی و مذهبی شده است به گونه‌ای که مؤلفه‌های مفاخر ادبی به تنهایی حدود ۴۷ درصد و مؤلفه‌های خرده فرهنگ‌ها کمتر از ۱ درصد از این تأکید را به خود اختصاص داده اند.

نتایج داده‌های (Soltani, ۲۰۰۹) حاکی از آن است که از نظر دانشجویان آموزش چند فرهنگی در مراکز تربیت معلم از جایگاه مناسبی برخوردار نیست و مدرسان مراکز تربیت معلم در آموزش‌های خود بر مفاهیم و موضوعات آموزش چند فرهنگی توجه چندانی ندارند تحلیل محتوای کتب درسی مراکز تربیت معلم نیز مشخص می‌کند توجه چندانی به مفاهیم آموزش چندفرهنگی در محتوای درسی مراکز تربیت معلم نشده است Sadeqy ۲۰۱۲ نیز بیان می‌دارد: که از چهار منظر ضرورت طراحی برنامه

درسی چند فرهنگی از بعد تربیتی روان شناختی ضرورت های، عصری قوانین بالادستی جهت گیری چند فرهنگی در برنامه درسی ضرورت حتمی جامعه امروز ایران است و تنوع در آموزش بر اساس قومیت و، فرهنگ، موضوعی اختیاری و تجملی نیست بلکه ضرورتی اساسی است. (مصطفی زاده و همکاران، ۱۳۹۸).

صلاحیت و شایستگی مربی در آموزش چند فرهنگی

در بحث توانمندسازی و آشنایی کودکان با مقوله تنوع فرهنگی و تفاوت های قومیتی وجود مربی توانمند بسیار اساسی و حائز اهمیت است. امروزه در بیشتر مدارس برای آشنایی با فرهنگ ها در «واحد کار» و با استفاده از برنامه درسی گردشگری کودکان را با لباس ها و تا حدودی غذاهای متفاوت اقوام آشنا می سازند. برنامه درسی گردشگری در جایگاه خود ارزشمند است اما برای رسیدن به اهداف آموزش و پرورش چند فرهنگی از جمله پیشبرد آزادی، عدالت و کرامت انسانی کافی نیست. مربیانی که دانش، مهارت و نگرش کافی نسبت به مقوله تنوع فرهنگی را دارند می توانند به نظام آموزشی چند فرهنگی و ارزشمندی آن کمک کنند. آگاهی از تفاوت ها، ویژگی ها و تجارب قومی باعث می شود کودکان به طور مؤثرتری پرورش یابند و این خود به خود ما را به سمت آموزش فرهنگی پاسخگو در سال های آتی سوق می دهد؛ بنابراین لازم است مربیان مدارس به ویژه مدارس ابتدایی مهارت ها و شایستگی های فرهنگی قوی داشته باشند تا بتوانند نسلی موفق برای جامعه چند قومیتی کشور تربیت کنند. برخی مهارت های اساسی شایستگی فرهنگی برای مربیان عبارتند از:

- ارزش نهادن به تنوع فرهنگی یعنی احترام گذاشتن به زمینه های مختلف فرهنگی، آداب و رسوم و راه های برقراری ارتباط با سنت های اقوام و پذیرش آنها؛

- مطلع فرهنگی بودن یعنی مربی بداند کی و کجا از تجربه های خود در میان خانواده، مدرسه و جامعه استفاده کند؛

- آگاهی از تعبیرهای فرهنگی یعنی مربی از تعاملات و ارتباطات میان فرهنگی که باعث سوء تعبیر می شوند، مطلع باشد و با آنها رفتار و برخورد مناسبی داشته باشد تا به سوء تعبیر بدل نگردند؛

- استفاده از فهم فرهنگی یعنی مربی بتواند از دانش چند فرهنگی خود برای درک بهتر و آگاهی از تجارب و دانش پایه کودکان در جهت پرورش و آموزش آنان و خلق محیط آموزشی چند فرهنگی استفاده کند. با وجود چنین توانایی و مهارتی، مربی قادر خواهد بود روش یادگیری کودکان با فرهنگ های متعدد را تشخیص دهد و در آموزش و خدمت رسانی به نظام آموزشی چند فرهنگی عملکرد مناسبی داشته باشد.

در مدارس مدیران با ایجاد احترام به فرهنگ ها از راه به کارگیری مهارت های مدیریتی تنوع فرهنگی در میان مربیان و خانواده ها و کودکان، در آتیه نظام آموزشی تأثیر بسزایی دارند؛ چرا که در جامعه ایران «ایرانی بودن» نقطه اشتراک فرهنگ هاست و تنوع اقوام و مذاهب باعث زیباتر شدن تابلوی خوش آب و رنگ ترسیم شده به دست لر و ترک، فارس و بلوچ، مسلمان و ارمنی و... می شود. نقاشی زیبایی که مرکزیت آن ایرانی بودن و طرح و نگارهای آن تنوع آداب و رسوم و مذهب و زبان است. در مدارس ابتدایی آموزش چند فرهنگی مستلزم آشنایی مربیان با خرده فرهنگ ها و احترام به آنها و نیز خلاقیت است که در اینجا در مورد آن چند پیشنهاد مطرح می شود:

(۱) در مدارس مربیانی که خود از فرهنگ های گوناگون هستند بهترین بستر برای آشناسازی کودکان و حتی دیگر همکاران خود با فرهنگ خویش اند. آنان می توانند به منظور پیوند خرده فرهنگ ها شخصیت های فرهنگی، اجتماعی، ادبی و مذهبی قوم خود را معرفی کنند.

۲) استفاده از رسانه‌ها نقش بسیار مهمی در معرفی فرهنگ‌ها و ارزش‌دهی به آنها ایفا می‌کند. بهتر است از ابزارهای رسانه‌ای که معرف اقوام و مذاهب و مراسم مربوط به هر فرهنگ با دیده احترام است برای نمایش به کودکان استفاده شود. برای مثال مربیان و مدیران مهدها و مراکز پیش‌دبستانی پا را فراتر بگذارند و خود به طور خلاقانه رسانه فرهنگی مناسب تولید کنند به این ترتیب می‌توانند ضمن آموزش چندفرهنگی از فعالیت‌های آموزشی مختلف فیلم و عکس بگیرند و در زمان فعالیت آزاد گروهی دوباره آن را به کودکان نمایش دهند. از آنجا که کودکان با تکرار یاد می‌گیرند با دیدن هنرنمایی خودشان هم می‌آموزند و هم با اعتماد به نفس بیشتری در فعالیت‌ها شرکت خواهند کرد.

۳) برای مشارکت بیشتر خانواده‌ها و احترام گذاشتن به فرهنگ آنان، از والدین بخواهید فرهنگ خود را به کودکان معرفی کنند. اگر دقت کنید هر مدرسه‌ای رنگین‌کمان زیبایی از اقوام، مذاهب و فرهنگ‌های مختلف را به واسطه خانواده‌های متفاوت در خود جای داده است. با توجه به این امر تحت هیچ شرایطی نباید از توان، استعداد و شایستگی‌های والدین برای آشنایی با تنوع فرهنگی غافل ماند.

۴) بیشتر ما وقتی از یک فعالیت فرهنگی سخن به میان می‌آید ابتدا می‌گوییم برای بچه‌ها کتاب بخوانید اما برای آموزش چندفرهنگی توصیه می‌شود برای هر قوم و آشنایی با خرده فرهنگ‌ها کتاب بسازید! کتابی که شامل زبان یا گویش، باورهای قومی و فرهنگی، سبک لباس پوشیدن، غذاهای محلی و آداب و سنن آن قوم باشد. برای انجام دادن این کار از خانواده‌های داوطلب کمک بگیرید. فکر جالبی است اگر مناسبتی فقط برای آشنایی با فرهنگ‌ها و اقوام در نظر گرفته شود و از مربیان و والدین با فرهنگ‌های گوناگون دعوت شود تا با لباس محلی خود در جشن شرکت کنند و درباره آداب و باورهای خود در زمینه‌های مختلف صحبت کنند. شاید یکی از این موضوعات که برای بچه‌ها ملموس است این باشد که مثلاً چرا و چگونه اسم کودکان را انتخاب کرده‌اند.

۵) به نحوه برگزاری مراسم و اعیادی مانند نوروز که یک جشن ملی است در میان اقوام مختلف و آداب و سنن آنان برای برپایی این عید ملی احترام بگذارید و از والدین آنان درباره آنچه بین این اقوام مرسوم است سؤال کنید و در هر جشن سهمی نیز به معرفی اقوام بدهید (آقاجانی و صادقی، ۱۳۹۷).

نتیجه گیری

جامعه ایران دارای تنوع فرهنگی، قومی و نژادی است، که این ویژگی باعث شده است برنامه ریزان درسی و سیاستمداران شرایط و برنامه خاصی را در پیش بگیرند. چند فرهنگی بودن در جامعه باعث چند فرهنگی شدن در مدارس می شود. که توجه بسیاری از محققان و برنامه ریزان درسی را به خود جلب کرده است. به گونه ای که در مدارس معلمان باید آموزش چند فرهنگی را در پیش بگیرند. تنوع فرهنگی از جمله مسائلی است که جوامع و خصوصاً مدارس با آن روبه‌رو هستند. مراکز و موسسات آموزشی نیاز به افرادی دارند که با فرهنگ های مختلف آشنا باشند و توانایی برقراری ارتباط با فرهنگ های گوناگون را دارا باشند. آموزش چند فرهنگی همانطور که گفته شد شکلی از آموزش است که برای تمامی ارزش ها، عقاید و پیشینه های فرهنگی مختلف ارزش قائل است. آموزش چند فرهنگی تأثیر بسیار زیادی در افزایش سواد چند فرهنگی دانش آموزان داشته است. آشنا شدن دانش آموزان با فرهنگ های مختلف باعث ایجاد ارتباطات بهتر بین دانش آموزان می شود. در پژوهش حاضر گفته شد که چالش هایی فرا روی برنامه درسی چند فرهنگی وجود دارد که باید با درایت درست سعی در حل این چالش ها شود.

منابع

- آقاجانی، زری و صادقی، علیرضا (۱۳۹۷). ضرورت آموزش چند فرهنگی در پیش دبستان. رشد آموزش پیش دبستانی، ۹(۳).
- پیش باز، محمد و نورآبادی، سولماز (۱۴۰۱). تبیین مولفه های آموزش چند فرهنگی برای طرح در برنامه درسی دوره متوسطه. هفتمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در مدیریت، روانشناسی و آموزش و پرورش.
- پور موسوی، سید احمد؛ عبدالحی، بیژن؛ نوه ابراهیم، عبدالرحیم و عباسیان، حسین (۱۳۹۹). ارائه مدل مناسب مدیریت چند فرهنگی در مدارس ابتدایی ایران. مجله ی علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۶(۱)، ۱-۲۴.
- جوادی، محمد جعفر (۱۳۷۹). آموزش چند فرهنگی به مثابه رویکردی در آموزش. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۶۳(۶)، ۹-۲۶.
- صادقی، علیرضا (۱۳۸۹). بررسی سند برنامه درسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس رویکرد آموزش چند فرهنگی. تهران: فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن مطالعات برنامه درسی ایران. ۵(۱۸).
- صادقی، علیرضا (۱۳۹۰). طراحی الگوی برنامه درسی چندفرهنگی تربیت معلم ابتدایی جمهوری اسلامی ایران. رساله تخصصی دکتری دانشگاه عالمه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- صادقی، علیرضا (۱۳۹۱). ویژگی ها و ضرورت های تدوین برنامه درسی چند فرهنگی در ایران: بررسی چالش ها و ارائه راهبردها. فصلنامه راهبرد فرهنگ، ۵(۱۷-۱۸).

صمدی، پروین؛ تقی زاده، مریم (۱۳۹۹). برنامه درسی چند فرهنگی: چالش ها و آسیب ها.

عراقیه، علیرضا و فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۹۱). جایگاه چند فرهنگی در آموزش چند مدرسه‌ای و آموزش عالی. فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۱۷-۱۸.

عسگریان، مصطفی (۱۳۸۵). جایگاه فرهنگ‌های قومی در تربیت شهروند. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۵(۱۷)، ۱۶۲-۱۳۳.

عاشوری، فریبا و صادقی، علیرضا (۱۳۹۹). بررسی میزان تاثیر آموزش مولفه های چند فرهنگی در ارتقای سواد چند فرهنگی دانش آموزان پایه ی ششم ابتدایی شهر تهران.

قادری، مصطفی و کریمکار، سودا (۱۳۹۳). برنامه درسی و فرهنگ رویارویی ها و بهم آوری ها. تهران: آوای نور.

قادرزاده، امید و شفیعی نیا، عباس (۱۳۹۱). تاثیر ساختار اجتماعی آموزش، بر قوم گرایی دانشجویان. فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۹(۵۹)، ۱۷۴-۲۱۴.

گزین، فاطمه (۱۳۹۹). آموزش چندفرهنگی: رویکردی در آموزش و پرورش

<https://roshanayetoloo.ir>

ملکی، حسن (۱۳۸۹). برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل). مشهد: انتشارات پیام اندیشه.

مصطفی زاده، اسماعیل؛ کشتی آرای، نرگس و قلی زاده، آذر (۱۳۹۸). ضرورت های آموزش چندفرهنگی و واکاوی عناصر و مؤلفه های تعلیم و تربیت چند فرهنگی.

Abington-Pitre, A. (2015). "Where did We Go Wrong? Eight Characteristics of a Multicultural Schools". Universal Journal of Educational Research ۹۹, ۳(۲), ۱۰۳-۹۹

Arvin. M. A. (2001). Cultural Diversity and Education: Foundations, Curriculum and Teaching. Boston: Pearson, Allyn & Bacon

Banks, J. A. (2004). Multicultural Education: Historical Development, Dimensions and Practice. San Francisco: Jossey-Bass.

Banks, J.A. (Ed.) (2009a). The Routledge international companion to multicultural education. New York & London: Routledge.

Erickson, F., Bagrodia, R., Cook-Sather, A., Espinoza, M., Jurow, S., Shultz, J. et al. (2007). Students' experience of school curriculum: The everyday circumstances of granting and withholding assent to learn. In M. Connelly, F. H. Ming, & J Phillion (Eds.), The Sage handbook of curriculum and instruction (pp.198- 218). Thousand Oaks, CA: Sage

Feysia, D. and Kiristin, L. (2011). Raising the achievement of portuguese pupil in british school: A case study of good practice, Available at <http://www.Eric.ed.gov>

Gay, G (2000). Culturally Responsive Teaching: Theory, Research & Practice. New York: Teachers College Press

Goniwe, M. (2004). School of Leadership and Governance. Facing Difficult Contexts and School Improvement. MGSLG Publisher. Available[online]<http://www.stephens@mgsi.co.za>. Accessed 12 August 2019

Gorski, P. (2000). Multicultural education for equity in our schools: A working definition. Edchange Multicultural Pavilion

Johnson, O. (2011). Dose multicultural education improve student racial attitudes? Journal of Studies. ۴۲(۸), ۱۲۵۲-۱۲۷۴

Lin, J. (2007). Love, peace, and wisdom in education: Transforming education for peace. Harvard Educational Review, 77(3), 362-365

Malakolunthu, S. (2010). Culturally responsive leadership for multicultural education: The case of "Vision School" in Malaysia. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 9

Matthew, S. A. (2016). Exploring Leadership in a Multicultural School. (doctoral dissertation). Walden University

Rosado, C. (2003). What makes a school multicultural. Available on: www.edchange.org/multicultural/papers/celeb/multicultural.html [2018.09].

Simmons, J. (2016). Multicultural leadership characteristics of a school director in an educational setting in South Korea: A case study. Doctoral Dissertations liberty University, South Korea

Venäläinen, S. (2010). Interaction in the multicultural classroom: Towards culturally sensitive home economics education